امتیاز

یک‌شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۶
۸ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ ● ۲۵ فوریه ۲۰۱۸
شماره ۲۴۲۶ ● ۸ صفحه

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
دبیر تحریریه: هومن جعفری
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

رونمایی کتاب «بانوی تسبیح» در فرهنگسرای رسانه

سرویس فرهنگی- کتاب «بانوی تسبیح»، نوشته حجت الاسلام سید مهدی حسین زاده، ۵ اسفند در فرهنگسرای رسانه و شبکه های اجتماعی رونمایی می‌شود.

به گزارش امتیاز و به نقل از روابط عمومی فرهنگسرای رسانه و شبکه های اجتماعی، این برنامه در قالب حامیان کتاب و کتابخوانی، یاوران یار مهر مهربان و با هدف حمایت از نویسندگان و ناشران، برگزار می شود.

این مراسم شنبه ۵ اسفند ساعت ۱۶ در این فرهنگسرا واقع در خیابان پاسداران، خیابان گل نبی، خیابان ناطق نوری، میدان قبا برگزار می شود.

ادامه تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «ایراندخت»

تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «ایراندخت» به کارگردانی محمدرضا ورزی در لوکیشن لاله زار ادامه دارد. مصطفی شریفی تهیه کننده سریال «ایراندخت» گفت: تصویربرداری «ایراندخت» به کارگردانی و نویسندگی محمدرضا ورزی از دو هفته پیش در لوکیشن هایی در منطقه لاله زار تهران در حال انجام است. طبق برآوردهای تولید، گروه حدود یک ماه در این لوکیشن مشغول به کار خواهند بود و سپس بخش های کوتاه باقیمانده از سریال جلوی دوربین خواهد رفت.

وی ادامه داد: در سکانس های لاله زار که مربوط به لوکیشن های خانه میرزای حکیم و خانه جواهر است، اندیشه فولادوند و حسین پاکدل بازی می کنند. مراحل فنی و تدوین سریال نیز به موازات تصویربرداری در حال انجام است. ضبط تصاویر نیز تا یک ماه آینده به پایان می رسد.

شهرک سینمایی و کاخ نیاوران از جمله لوکیشن های سریال هستند. گزیده ای از این سریال با عنوان «ستارخان» در ایام دهه فجر از شبکه یک سیما پخش شد. پیش بینی می شود این سریال در ۳۰ قسمت آماده پخش شود.سریال «ایراندخت» یک درام عاشقانه و روایتی از سال های پایانی زندگی «ستارخان»، سردار بزرگ ایرانی است. بازیگران سریال عبارتند از سعید نیک پور (ستارخان)، شکرخداگودرزی (باقرخان)، شایسته ایرانی (نینا)، آرزو نبوت (آیلار)، پنداراکبری (ابراهیم)، فرخ نعمتی (پیرم خان)، رضا فیاضی (ژنرال پاخیتانوف)، داریوش کاردان (رفیع الملک)، بهزاد خداویسی (سیدحسن تقی زاده)، فخرالدین صدیق شریف (اجلال الملک)، عزت الله مهرآوران (دلاور)، شهراد بانکی (یوسف اوغلی)، ژرژ پطروسی (مستوفی الممالک)، یوسف صیادی (قابیل)، محمد ساربان (عین الدوله)، مرتضی آقا حسینی (محمد ولیخان تنکابنی)، علیرضا علیا (فروغی)، علی خازنی (اردشیر ریپورتر)، محسن صادقی نسب (کریم آقا)، باران زمانی (ایلکا)، حمیرا عظیمی (فاطمه خانم)، علی زارع (صفراوف)، سام مشایخی (ژرژف)، قاسم طاهر احمدی (وارطان)، علیرضا دیلمی (یونس)، مسعود رحیم پور (اسماعیل یکانی)، محمد ابهری (رافیک)، حسن کریمخان زند (حسین باغبان)، مینا سلیمی (ایراندخت)، ماهان عابدی (یدالله) و با حضورحسین مسافر آستانه (ثقه الاسلام)، مسعود آب پرور (موسیو لاتس)، صدرالدین شجره (مخبر السلطنه) و با هنرمندی سام قریبیان در نقش سهراب، سایر بازیگران: اسدالله یکتا، علیرضا حنیفی، تورج فرامرزی، اشکان دلاوری، محمدرضا ارشاد، رها عرب گری و بازیگران خردسال: نیکان نیک ابدی، علی محمد خدمتی، مانی آریافر، آریا خرم نژاد.

از دیگر عوامل این پروژه می توان به مشاور پژوهشی و تاریخی: دکتر موسی فقیه حقانی، نویسندگان: محمدرضا ورزی، زهرا عاملی، با همکاری سمیه تاجیک و هیلدا تهرانی، دستیار اول کارگردان: محسن صادقی نسب، گروه کارگردانی: سید عباس بهبودی، بهنام مسعودی، محمد منتظمی، اشاره کرد.

از خوشنویسی و نقاشی تا گالری‌داری در گفت‌وگو با جواد بختیاری

گالری‌داری را به عنوان یک اتفاق فرهنگی نگاه می‌کنم

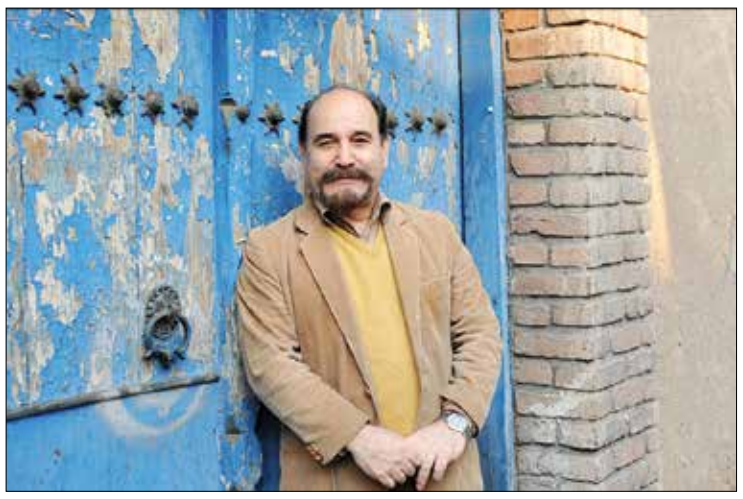

سرویس هنری- جواد بختیاری معتقد است، نقاشی‌های او در ایران کمتر دیده شده و به همین دلیل بیشتر به عنوان خوشنویس شناخته می‌شود.

به گزارش امتیاز؛ جواد بختیاری از هنرمندان خوشنویس مطرح ایران است که علاوه بر تحصیل نقاشی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دارای دکترای تاریخ هنر از کالیفرنیا است. بختیاری پس از سالها فعالیت هنری در ایران و امریکا تصمیم گرفت گالری «نقش و خط» را در تهران افتتاح کند. گالری که به زعم او با هدف ایجاد گفتمان‌های فرهنگی و ترویج این نوع نگاه در جامعه هنری تاسیس شده است. به همین مناسبت با این هنرمند درباره زندگی هنری و رویکردهایش در گالری‌داری گفت و گو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

آقای بختیاری، چطور شد تصمیم گرفتید گالری «نقش و خط» را تاسیس کنید؟

در چند سال اخیر گالری ما فعالیت‌هایی در زمینه برگزاری رویدادهای هنری داشت اما این کارها به شکل رسمی و مداوم انجام نمی‌شد. سرانجام تصمیم گرفتم گالری «نقش و خط» را با نمایشگاه «یادمان مرتضی ممیز» در روز ۲۷ بهمن به صورت رسمی افتتاح کنیم. از آن‌جایی که من برای شخصیت و هنر آقای ممیز همیشه احترام قائلم و با ایشان انس و الفتی هم داشتم، خواستم اولین نمایشگاه این گالری با نام و یاد استاد مرتضی ممیز برگزار شود. به همین خاطر برای این نمایشگاه از هم‌دوره‌ها و هم‌کلاسی‌های ایشان افراد شاخص و مشهوری را که عمدتاً نقاش هستند، انتخاب کردیم تا آثار آنها به یاد استاد ممیز به نمایش درآید. مرتضی ممیز یکی از نخبگان هنر ایران بوده و ما سعی کردیم آثاری را جمع‌آوری کنیم که در این نمایشگاه شأن ایشان حفظ شود.

به نظر می‌رسد در گالری «نقش و خط» بیشتر به دنبال نمایش گذاشتن آثار نقاشی و خوشنویسی هستید، رویکرد و سیاست‌گذاری خاصی را برای این گالری در نظر گرفته‌اید تا آثار مدرن و معاصر را هم به نمایش بگذارید؟

علاقه‌مند هستیم که گالری «نقش و خط» را تبدیل به یک مرکز فرهنگی و یک پاتوق خوب هنری کنیم اما باید برای این کار سخت تلاش کنیم و فعلاً نمی‌توانیم در این زمینه مدعی باشیم. برای این گالری رویکردی را ترسیم کردیم که در سال فقط ۵-۴ نمایشگاه جمعی از هنرمندان برجسته در حوزه‌های نقاشی، گرافیک، نگارگری و مجسمه‌سازی برگزار کنیم. بنا داریم در کنار نمایشگاه‌های گالری، یک سری فعالیت‌های دیگر مثل گفت‌وگو هم انجام دهیم. من تاریخ هنر خواندم و علاقه‌مند هستم که در حوزه‌های مختلف هنر، دیدگاهم را منتقل کنم. میزان گفت‌وگوهای هنری در جامعه معاصر ایران خیلی کم شده و ما به شدت نیاز به مرکزی برای این گفت‌وگوها داریم. الان گفت‌وگوهایی که در جامعه انجام می‌شود همراه با خشم است و معمولاً اگر کسی با سلیقه ما مخالفت کند، دشمن او می‌شویم. ما این دشمنی‌ها را حل نمی‌کنیم اما می‌خواهیم یک کوششی کنیم تا آدم‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کنند. طرح دیگر ما این است که در این مجموعه امکانی را فراهم کنیم تا اگر کسی از اصل یا کپی بودن یک اثر هنری اطلاعی نداشت، کارشناسان حوزه مجسمه، نقاشی و خوشنویسی، آثار مورد نظر را کارشناسی کنند و اطلاعات کافی را به خریدار اثر بدهند. من زمانی که در انجمن خوشنویسان مسئولیتی داشتم این کار را انجام دادم و حالا می‌خواهم در گالری نقش و خط هم این اتفاق صورت بگیرد.

با توجه به این‌که اشاره کردید تعداد نمایشگاه‌های گالری‌تان در طول سال محدود است، مدت زمان برگزاری آن‌ها به چه صورت خواهد بود؟

طبیعتاً وقتی هنرمندان برای برگزاری یک نمایشگاه وقت می‌گذارند، ما نمی‌توانیم زمان نمایشگاه‌شان را خیلی کم در نظر بگیریم. از طرفی، به خاطر تعطیلات متعددی که در کشور وجود دارد، دست ما برای تصمیم‌گیری در مورد این مسئله خیلی باز نخواهد بود. با این حال در نظر داریم هر نمایشگاهی که در گالری «نقش و خط» برگزار می‌شود، حداقل دو هفته و حداکثر یک ماه به طول بیانجامد.

بعضی از گالری‌ها سعی می‌کنند تعریف خاصی برای گالری‌شان داشته باشند و به عنوان مثال بیشتر برای هنرمندان جوان یا هنرمندان شهرستانی نمایشگاه بگذارند. شما چنین برنامه‌ای را برای گالری‌تان در نظر گرفته‌اید؟

این‌که بخواهیم به جوانان با استعداد و شهرستانی فرصت نمایش آثارشان را بدهیم، فی‌النفسه رویکرد خوبی است و به نظرم اگر گالری‌دارها این کار را انجام دهند، یک کار فوق‌العاده صورت می‌گیرد، ولی ما در امر گالری‌داری رویکرد دیگری داریم و می‌خواهیم یک مرجع از آثار تجسمی تهیه کنیم تا به جامعه نشان دهیم که چه کسانی در این حوزه بهترین هستند. به عنوان یک نگاه تخصصی، در وهله اول علاقه‌مند هستیم آثار نخبگان نمایش داده شود. البته ممکن است در کنار ده هنرمند شناخته‌شده، ۳-۲ هنرمند کمتر شناخته شده را هم به گالری اضافه کنیم. تلاش من این است که بتوانم همه هنرمندان برجسته را زیر یک سقف بیاورم. نگاه من به گالری یک نگاه تجاری نیست و به عنوان یک اتفاق فرهنگی به گالری‌داری نگاه می‌کنم.

بخش‌های نظری، نشست‌ها و گفت‌وگوهای اولین نمایشگاه گالری «نقش و خط» به چه شکل خواهد بود؟

در این نمایشگاه ما دو نشست برای واکاوی شخصیت مرتضی ممیز و رویکرد دیگر نقاش‌ها برگزار خواهیم کرد. منتها به دلیل تعداد زیاد نقاشی‌ها و توجه به این امر که عنوان ما در این نمایشگاه نقاشی نیست، خیلی روی این قضیه متمرکز نمی‌شویم و بیشتر به واکاوی شخصیت هنری آقای ممیز و تأثیراتی که بر جامعه ایرانی گذاشته‌اند می‌پردازیم. در مقدمه بروشور این را آورده‌ام که مرتضی ممیز سطح سلیقه و استاندارد زیباشناسی جامعه ما را ارتقاء داده است. در ۵۰-۴۰ سال اخیر نقش ممیز خیلی پر رنگ بوده و می‌خواهیم این را واکاوی کنیم که یک هنرمند زبده در عصر خودش چگونه می‌تواند بر سطح زیباشناسی مردم تاثیر بگذارد؟ جامعه هنرهای تجسمی، جامعه چندگانه‌ای نیست و توجه آدم‌ها به آن خیلی زیاد است. در این حوزه نقش ممیز خیلی پر رنگ خواهد بود و ما در نمایشگاه پیش رو به این موضوع اشاره خواهیم کرد.

تشخص یک جامعه، در احترام به برگزیدگانش است. البته باید به دور از تعصب، گزافه‌گویی و احترام افراطی باشد. گاهی اوقات یک هنرمند را در الفاظ و القاب سنگین مخفی می‌کنیم که خودمان هم فراموش‌مان می‌شود ارزش واقعی و قد آن هنرمند چه میزان بوده است. متأسفانه ما قد و اندازه‌های‌مان مشخص نیست و گاهی راجع به خودمان دچار افراط و تفریط می‌شویم. ما باید بتوانیم هنرمندان برگزیده را در یک حالت خالص برای جامعه بازشناسی کنیم. گالری‌ها و رسانه‌ها در بازشناسی جایگاه دقیق آدم‌ها نقش مهمی دارند. در فضای خارج از کشور برای هنر یک هنرمند به میزان ارزشی که دارد، احترام قائل می‌شوند و کسی را بی‌جا بزرگ نمی‌کنند، اما در فضای داخل کشور این‌طور نیست و ما دوست داریم آدم‌های کوچک را بزرگ کنیم و یا آدم‌های بزرگ را کوچک جلوه دهیم.

شما هم نقاش هستید و هم خوشنویس. کدام یک از این فعالیت‌های هنری برایتان پر رنگ‌تر بوده است؟

من نقاشی کردن را از ۴ سالگی شروع کردم و زمانی که ۸ سالم بود، نقاشی‌ام پشت مجله «پیک» به چاپ رسید که در بروجرد اتفاق منحصر به فردی محسوب می‌شد. با تشویق خانواده و دوستان نقاشی می‌کشیدم تا اینکه گفتند از نقاشی پول در نمی‌آید و باید درس دیگری را بخوانم. سال ۵۳ در رشته مهندسی الکترونیک در دانشگاه شیراز پذیرفته شدم و آن‌جا هم صبح تا شب نقاشی می‌کشیدم. برای بورسیه فوق‌لیسانس پیشنهاد خوبی از خارج کشور داشتم اما من عاشق فضای هنری بودم و فضای هنری دانشگاه تهران برایم خیلی جذاب به نظر می‌آمد. سال ۵۷ با رتبه اول کنکور به دانشکده هنرهای زیبا رفتم. در دانشکده فرصت ایجاد شد که در خدمت آقای ویکتور دارش، تکنیک‌های مجسمه را کار کنم اما با انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها تعطیل شد و من دوباره به سراغ نقاشی رفتم و آن را ادامه دادم.

به دنبال تحقیق و مطالعه در زمینه هنر آبستره می‌گشتم که «خط» را برای کمک در این قضیه به من معرفی کردند. پاییز سال ۵۹ به موزه هنرهای تزیینی رفتم و آن‌جا بر روی دیوار یک تابلو خوشنویسی از خط میرزا غلامرضا اصفهانی توجه مرا به خودش جلب کرد. اولین بار بود که یک تابلو خط اصل را روی دیوار می‌دیدم و برایم بسیار جذاب بود. فردای آن روز وارد انجمن خوشنویسان شدم و دوره‌های ۴ ساله را در ۹ ماه به صورت فشرده به پایان رساندم. پس از مدت کوتاهی در اوایل سال ۶۰ مدرس انجمن خوشنویسان شدم و عمدتاً آن سال‌ها بار سنگین کارم در زمینه خوشنویسی بود. ۳ سال بعد در موزه هنرهای معاصر نمایشگاهی برگزار کردم و در سال ۶۶ اولین کتابم را در زمینه خوشنویسی به چاپ رساندم. نمایشگاه‌هایم در ایران خوشنویسی بودند و در کنار آن‌ها یکی دو تابلو نقاشی هم قرار می‌دادم. نقاشی‌های من بیشتر در خارج از کشور به نمایش درآمده و چون در ایران وجه نقاشی من کمتر دیده شده است، مرا بیشتر به اسم خوشنویس می‌شناسد.

یکی از مهمترین دستاوردهای شما، رسیدن به نسبت‌های طلایی در خط نستعلیق است. این نسبت‌ها را چطور کشف کردید؟

سال ۶۳ نسبت‌های طلایی را با رعایت تمام اصول زیباشناسی و با علم ریاضی و هندسه در خط نستعلیق کشف کردم که این اتفاق بزرگی برای خط نستعلیق بود. همان سال خلاصه این مطلب در شماره نهم فصل‌نامه «هنر» به چاپ رسید و در حال حاضر برای زیباشناسی خط یک مرجع معتبر محسوب می‌شود. نسبت‌های طلایی در ایران کاملاً جا افتاده است و خوشنویسان ما در زمان تیموریان این‌کار را پایه‌ریزی کرده‌اند و در اواخر دوره صفویه شکل کاملی به خود گرفت.

نسبت‌های طلایی خط نستعلیق مایه مباهات حوزه هنرهای تجسمی محسوب می‌شود و من آن را به دنیا هم معرفی کرده‌ام. این شعار را در همه‌جای دنیا گفته‌ام که» تنها دست ساخته بشر در طول اعصار حیاتش که بر نسبت‌های طلایی کاملا منطبق است، خط نستعلیق است.»

در هیچ‌جای دنیا، بشر نسبت طلایی را در ساخته‌های خودش اینقدر دقیق رعایت نکرده است. خط نستعلیق از این بابت بی‌نظیر بوده و در من به لحاظ هنری و بُعد ریاضی، شیفتگی به وجود آورده است. نسبت‌های طلایی، پایه زیبایی‌شناسی بشر و جهان هستی هستند. حتی در طول و عرض کهکشان راه شیری و در گل آفتابگردان هم این نسبت‌ها را داریم.

شما فعالیت‌هایی هم در تلویزیون داشتید. چگونه با تلویزیون وارد همکاری شدید؟

همکاری من با تلویزیون در برنامه «دو قدم مانده به صبح» برای معرفی هنرهای مختلف صورت گرفت. در حدود ۱۲۰ قسمت از این برنامه شرکت کردم و به عنوان کارشناس صحبت‌هایی را راجع به حوزه‌های گوناگون هنر اظهار داشتم.

چطور شد تصمیم گرفتید به آمریکا بروید و در زمینه تاریخ هنر تحصیل کنید؟

من برای ادامه تحصیل به کشور آمریکا نرفتم اما آن‌جا در کنار فعالیت‌های خودم به تحقیقاتی در زمینه هنر ایران پرداختم که مورد توجه قرار گرفت و به من پیشنهاد دادند این تحقیقات را به صورت آکادمیک انجام دهم. بنابراین در مقطع دکتری وارد دانشگاه واشنگتن شدم و تاریخ هنر خواندم. نتایج تحصیلاتم در زمینه تاریخ هنر را در کتاب «هنر ایران» آورده‌ام. این کتاب هنوز فرصت چاپ به زبان فارسی را پیدا نکرده است اما یک تطبیق فوق‌العاده در این کتاب شکل گرفته است.

در کشور آمریکا برخورد با هنرمندان خارجی چگونه است و مدیران هنری آن جا چقدر میان هنرمندان آمریکایی با هنرمندان خارجی تمایز قائل می‌شوند؟

در کشور آمریکا ملیت معنا ندارد و برای آن‌ها فقط کیفیت نقاشی و میزان توانایی نقاش مهم است. من از دید آن‌ها مهاجر نیستم، بلکه یک نقاش هستم که در آن کشور زندگی می‌کنم. تا به حال پیش نیامده که کسی به خاطر ملیت تحویلم نگیرد. زمانی که برای برپایی نمایشگاه به شهر نیویورک رفتم، صاحب یکی از گالری‌ها گفت تا ۸-۷ سال آینده نمی‌توانم به شما نوبت بدهم چون قبل از شما ۳۰۰ نقاش از ملیت‌های دیگر نوبت گرفته‌اند. شناخته شدن در آمریکا کار سختی است چون هنرمندان زیادی در آن‌جا فعالیت می‌کنند. یک نقاش در آمریکا حدود ده هزار رقیب قدرتمند دارد و اگر بخواهد سری میان سرها در بیاورد، باید تبلیغات گسترده‌ای انجام بدهد.

هنرمندان ایرانی در آمریکا تشکل خاصی دارند یا هر کدام به طور جداگانه فعالیت خودشان را انجام می‌دهند؟

برخلاف سایر ملت‌ها، هیچ تشکل ایرانی در کشور آمریکا شکل نگرفته که از هنرمندان حمایت کند. خرید آثار هنری برای ایرانی‌های مهاجر در الویت چندم است و اگر هم بخواهند اثر هنری بخرند از ایرانی‌ها کار نمی‌خرند. یک هنرمند کره‌ای وقتی می‌خواهد به آمریکا برود، ۳۰-۲۰ نفر آن‌جا منتظرش هستند و برای او نمایشگاه‌های مختلف می‌گذارند تا بتواند مسیرش را پیدا کند. اما آرتیست ایرانی پول و انرژی زیادی صرف رفتن به آمریکا می‌کند و چون هنرمندان ایرانی در آمریکا هیچ تشکلی ندارند، تمام انرژی آن آرتیست صفر می‌شود و بدون مخاطب به ایران برمی‌گردد.

صحبت‌های پایانی؟

در جامعه ما اختلاف سلیقه‌ها در همان حد اختلاف سلیقه باقی نمی‌ماند و به سمت اختلاف عقیده و اختلاف ایدئولوژی کشیده می‌شود. بر سر یک اختلاف سلیقه کوچک ممکن است حق حیات را هم از طرف مقابل بگیرند. ما خیلی سعی نداریم که با یکدیگر دیالوگ برقرار کنیم و برای بالا بردن صبرمان کوششی نکرده‌ایم. این مسائل با شعار دادن حل نمی‌شود و باید نشست‌ها و گفت‌وگوهای زیادی صورت بگیرد تا متوجه شویم این اختلاف‌ها فقط بر سر یک تفاوت سلیقه یا سبک است.

ما باید بین هنر هنرمند و شخصیت فکری او فرق بگذاریم و اگر این کار را انجام بدهیم، می‌توانیم از هنر همه هنرمندان بهره ببریم. این‌که بخواهیم اثر هنری یک شاعر یا موزیسین که هم فکر ما نیست را نادیده بگیریم، به جامعه صدمه خواهد زد و جامعه و هنرمند از یکدیگر بی‌بهره خواهند شد. در خارج از کشور بین هنر و شخصیت هنرمندان مرز مشخصی وجود دارد ولی ما این مرز را مخدوش کرده‌ایم و هنر هنرمند را همراه با شخصیتش قضاوت می‌کنیم. به نظرم یک مجموعه‌ای باید این تفکیک را انجام دهد و این یخ را به مرور زمان آب کند، در این صورت جامعه ما می‌تواند از تلطیف روانی و فرهنگی بهره‌مند شود.

وزارتخانه علوم باید نگاه خود را در زمینه آموزش هنر تغییر دهد

رییس دانشکده سینما و تئاتر تأکید کرد که وزارتخانه علوم باید نگاه خود را در زمینه آموزش هنر تغییر دهد و بداند که آموزش هنر با علم تفاوت دارد.اسماعیل شفیعی رییس دانشکده سینما و تئاتر درباره اعتراضی که جمعی از دانشجویان این دانشکده به روند و تجهیزات آموزشی داشته و تحصنی که انجام داده اند گفت: ما در دانشکده سینما و تئاتر با دانشجویان ارتباط مستقیمی داریم و در اتاق من روی دانشجویان باز است و علاوه بر گفتگوهای مستقیم از طریق تماس های تلفنی و شبکه های اجتماعی نیز ارتباط مان برقرار است.

وی اظهار کرد: بخشی از درخواست های اعتراضی دانشجویان به حق است و بخشی نیز به دلیل ناآشنایی دانشجویان به سیستم اداری دانشگاه است. درخواست داشتن امکانات متناسب با رشته ای که در آن تحصیل می کنند حق دانشجویان است ولی باید این نکته را در نظر گرفت که بودجه تجهیزاتی دانشکده از طریق دولت و ردیف بودجه مجزایی که دارد، پرداخت می شود که لازم است دانشجویان بدانند در سال جاری ریالی از این بودجه از طریق دولت به دانشکده پرداخت نشده است.

شفیعی ادامه داد: ما یک عقب ماندگی های تجهیزاتی داریم که بهبود این وضعیت خیلی رقم بالایی می خواهد و قاعدتا وقتی دولت به ما بودجه تجهیزاتی بدهد، می توانیم این کارها را انجام دهیم در غیر اینصورت دانشکده توانایی مالی مستقلی ندارد که بتواند این امور را انجام دهد.

رییس دانشکده سینما و تئاتر در ادامه سخنان خود تأکید کرد: ما بیش از دانشجویان به واحدهای درسی و شرح درس ها معترض هستیم و اعتراض دانشجویان در این خصوص نیز نکته درستی است. ما کمپینی را با حضور اعضای هیأت علمی هنر از سراسر کشور شکل دادیم و نامه ای با ۴۲۱ امضا به وزارتخانه علوم ارسال کردیم مبنی بر اینکه وزارت علوم درک درستی از هنر ندارد که البته این امر ربطی به دولت خاصی ندارد.

وی یادآور شد: معتقدم وزارت علوم باید در نگاه خود نسبت به هنر و آموزش هنر تجدیدنظر کند زیرا آموزش هنر با آموزش صرفا علمی فرق دارد. وزارت علوم لباس دوخته شده برای آموزش علم را می خواهد بر تن هنر نیز بپوشاند و این ایرادی بنیادین است. وزارتخانه باید بفهمد که هنر مستقل از علم است. ما خودمان می دانیم که این نظام آموزشی نیازهای دانشجویان هنر و جامعه را پاسخگو نیست و دانشجو حق دارد در این زمینه معترض باشد.

شفیعی افزود: امروز نزدیک به ۶۰ درصد تئاتر، ۹۰ درصد انیمیشن و ۸۰ درصد سینمای کشور فارغ التحصیل دانشکده سینما تئاتر هستند که با همین امکانات و استادان مسیر را طی کرده اند یعنی علیرغم همه این کاستی ها اگر دانشجویان به اندازه وقت بگذارند و درس بخوانند، امکان کسب آن جایگاه ها را دارند.

یک فنجان چای داغ

مرور آثار فیلمساز ایرانی در جشنواره جهانی فیلم «ریگارد»

جشنواره جهانی فیلم «ریگارد» فیلم های کوتاه قصیده گلمکانی را مرور می کند.بیست و دومین جشنواره جهانی فیلم «ریگارد» کانادا، از جشنواره‌های مورد تایید آکادمی اسکار و یکی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم کوتاه در آمریکای شمالی، در این دوره بخشی را به مرور فیلم‌های کوتاه قصیده گلمکانی اختصاص داده است.

در این بخش از میان هفت فیلم کارنامه وی فیلم‌های «برزخ»، «آگهی فروش» و «بوق ممتد» با حضور کارگردان به نمایش در می‌آیند. جلسه نقد و بررسی آثار گلمکانی با حضور منون دومه، منتقد و روزنامه‌نگار کانادایی که مسئول بخش‌های سینمایی در روزنامه‌ها و مجله‌هایی از جمله «ووآر/ Voir دیدن»، «مدیا فیلم» و «پرس» است برگزار می‌شود و گلمکانی به سوالات حاضران درباره فیلم‌هایش پاسخ خواهد داد.

قصیده گلمکانی فارغ‌التحصیل در سه فوق‌لیسانس «بازرگانی هنری»، «مطالعات فرهنگی» و «مدیریت فرهنگی» از فرانسه است. او همچنین از دانشجویان آزاد رشته سینما در دانشگاه سوربن بوده و موضوع رساله دکترایش در رشته «مطالعات فرهنگی»، منابع تاثیرپذیری فیلمسازان جوان ایرانی در دهه اخیر است.

وی حدود ۲ سال است که به طور جدی به فیلمسازی پرداخته و از جمله جایزه‌هایی که گرفته سیمرغ بهترین فیلم کوتاه سی و پنجمین جشنواره جهانی فجر برای «آگهی فروش» و جایزه ویژه بخش دانشجویی دومین جشنواره فیلم «سلامت» برای «برزخ» و ... بوده است.

گلمکانی در جشنواره‌هایی از جمله «سینه‌کوئست» و «سانتاباربارای» آمریکا و «دراما» یونان با فیلم‌هایش حضور داشته است. در برنامه مرور آثار به خواسته دبیر جشنواره ملیسا بوشار به انتخاب قصیده گلمکانی، یکی از فیلم‌های کوتاه مورد علاقه‌اش همراه با فیلم‌های خودش برای خریداران، منتقدان و علاقه‌مندان فیلم کوتاه نمایش داده خواهد شد. گلمکانی فیلم «حیوان» ساخته برادران ارک را به دلیل نوآوری و خاص بودن آن به جشنواره برای این نمایش معرفی کرده است.نمایش فیلم‌ها روز شانزدهم مارس ساعت ۱۹ خواهد بود.بیست و دومین جشنواره جهانی فیلم «ریگارد» از ۱۴ تا ۱۸ مارس در شهر ساگنه ایالت کبک کانادا برگزار می‌شود.

برنامه اجراهای زنده هنرمندان در اولین فستیوال موسیقی الکترونیک

برنامه کنسرت ها و اجراهای زنده هنرمندان شرکت کننده در اولین فستیوال موسیقی الکترونیک که روزهای ۱۲ تا ۱۸ اسفندماه میزبان مخاطبان است، اعلام شد.سیزده گروه و هنرمند حوزه موسیقی در قالب برگزاری اولین فستیوال موسیقی الکترونیک آثار خود را بین روزهای ۱۲ تا ۱۸ اسفند ماه در پردیس سینمایی «چارسو» اجرا می کنند.بر اساس برنامه ستاد برگزاری این رویداد، زمان و ساعت برگزاری کنسرت های اولین فستیوال موسیقی الکترونیک به این ترتیب اعلام شده است:

شنبه ۱۲ اسفند
ساعت ۱۹: کنسرت اسماعیل عباسی (Anunnaki Signal)
ساعت ۲۱:۳۰: کنسرت محمد رجبی
یکشنبه ۱۳ اسفند
ساعت ۱۹: کنسرت محمد مسلمی (M.H Project)
ساعت ۲۱:۳۰: کنسرت گروه هشتگ تهران (#Tehran)
دوشنبه ۱۴ اسفند
ساعت ۱۹: کنسرت «جت پک» و عرفان و امیرعلی
ساعت ۲۱:۳۰: کنسرت محمد صادقی
سه شنبه ۱۵ اسفند
ساعت ۱۹: کنسرت محمد صادقی
ساعت ۲۱:۳۰: کنسرت اشکان صدیق آذر (Ashcome)
چهارشنبه ۱۶ اسفند
ساعت ۱۹: کنسرت علی پناهی (Elemaun)
ساعت ۲۱:۳۰: کنسرت خشایار روانگر (Xashrav)
پنجشنبه ۱۷ اسفند
ساعت ۱۹: کنسرت علی اخلاقی (Ali.i.a.n)
ساعت ۲۱:۳۰: کنسرت پویا معمارزاده و طاها پارسا
جمعه ۱۸ اسفند :
ساعت ۱۶:۳۰ : کنسرت پیام رونق
ساعت ۱۹: کنسرت نیما رمضان، امیر بال افشان و سیاوش حسین زاده (Genz/Balzan)

تقدیر برلیناله از«درساژ» نماینده ایران

بخش نسل جشنواره فیلم برلین که با داوران و مخاطبان نوجوان تشکیل می‌شود، برندگان خود را شناخت و از فیلم «درساژ» نماینده ایران در این بخش تقدیر ویژه کرد.برلیناله در حالی که جایزه خرس کریستال برای بهترین فیلم در بخش نسل بالای ۱۴ را به «Fortuna» ساخته جرمینال روکس محصول سوییس/بلژیک داد، در این بخش از «ریتابلو» ساخته آلوارو دلگادو-آپاریسیو محصولی از پرو/آلمان و نروژ تجلیل کرد. جایزه خرس کریستال برای بهترین فیلم کوتاه به «کیم هولیجاندا» ساخته سارا ولتمیر از هلند اهدا شد و از فیلم کوتاه «لباس برای لذت» ساخته ماری دی ماریکورت از سوییس تجلیل ویژه به عمل آمد.

اضافات‌مسعودی

آوایی نو در موسیقی

شاید در طول زندگی یک انسان کمتر پیش بیاید که برای دیدن آثار یک نقاش یا مجسمه ساز به گالری ها و نمایشگاه ها برود. در جامعه ی امروز افرادی کمی مایل به خواندن کتاب وجود دارد و به جز تعداد محدودی از نسل جوان و نوجوان بقیه افراد جامعه رغبتی برای تماشای فیلم در سینما دارند. اما شاید کمتر کسی را پیدا کنید که در زندگی خود به شنیدن آهنگ ، موزیک یا آوای دلنشین آوازهای ایرانی مایل نباشد. همه ی ما روزانه چه به صورت خود آگاه و چه ناخودآگاه از رادیو ، تلویزیون و یا دستگاه پخش خودروهای خود در حال گوش دادن به موسیقی هستیم. گویی این هنر تنها هنر مشمول همه ی افراد جامعه است و هیچ قید و بند و محدودیتی برای آن وجود ندارد. در سال های اخیر شاهد پدید آمدن خواننده ها و سبک های موسیقی هستیم که شاید تنها برای لحظاتی کوتاه به آنها گوش می دهیم. خواننده هایی که صدای آنها نهایت دو تا سه ماه در خیابان ها و کوچه های شهر به گوش می رسد. با نگاهی به پیشینه ی موسیقی در کشور خواننده ها و نوازنده هایی را می یابیم که با گذشت سالها هنوز آوازهای ماندگار آنها در یاد و خاطر مردم است. اینکه مخاطب موسیقی امروز که عمدتا نسل جوان است را تنها با ساز و آواز ایرانی محدود کنیم نمی تواند چاره ی کار باشد. ولی پایین آمدن سطح سلیقه مردم با تولید آثار نه چندان مناسب بزرگترین ضربه ای است که در این سالها به پیکره ی نحیف این هنر وارد آمده است.

محمد جوادی فر

تبریک

برادر گرامی جناب آقای مهندس مساعد
سرپرست محترم امور پیمانها و قراردادهای شهرداری کرج

انتصاب بجا و شایسته جنابعالی را به سمت سرپرست امور پیمانها و قراردادهای شهرداری کرج تبریک عرض نموده، از خداوند منان توفیقات روزافزونتان را خواستارم.

کیان پرویزی-سرپرست روزنامه امتیاز در استان البرز